فانوس
لبیک امام
۴۲
در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی/ شماره چهل و دوم / تابستان ۱۳۹۷

قوت قلب، عقلانیت و انقلابی گری سه صفت محوری در هیأت

گفتاری از حجت الاسلام و المسلمین علیرضا پناهیان

کرامتنا الشهادة



فانوس

فانوس ـ در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی
شماره چهل و دوم، تابستان ۱۳۹۷

قوت قلب، عقلانیت و انقلابی‌گری؛ سه صفت محوری در هیأت

سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین علیرضا پناهیان در هفتمین نشست هم‌اندیشی نخبگان ستایشگری کشور
به همت هیأت رزمندگان اسلام
بامشارکت سازمان بسیج مداحان
شهرمقدس مشهد - ۸ و ۹ دی ماه ۹۵

تهیه و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر
طراح جلد: حسن ناصری
صفحه‌آرا: حسن ناصری
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
قیمت: ۳۰۰۰ تومان (غیرقابل فروش)

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.

جامعه ایمانی مشعر
قم ـ صندوق پستی: ۱۵۱۳ - ۳۷۱۹۵
سامانه پیامک: ۱۵۴۲ ۳۰۰۰
رایانامه: info@۱۵۴۲.org
پایگاه‌اطلاع‌رسانی: www.۱۵۴۲.org

سازمان بسیج مداحان
سازمان بسیج مداحان: بزرگراه بسیج، خیابان شهید رحیمی، سازمان بسیج مداحان.
تلفن: ۰۲۱ ـ ۳۹ ۹۴ ۷۷ ۳۸
پایگاه‌اطلاع‌رسانی: basijmadahan.ir
کانال تلگرام: @madahan_hossein

هیأت رزمندگان اسلام
تهران، خ کارگر شمالی، بعد از تقاطع فاطمی، بن بست خسرو، پلاک ۴
صندوق پستی: ۱۵۷۱۵ ـ ۱۱۱
تلفن: ۰۲۱ـ۸۸۹۸۶۹۵۳ـ۵
پیامک: ۲۰۰۰ ۹۵ ۱۶
پایگاه‌اطلاع‌رسانی: eheyat.com

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدمه

هفتمین نشســـت هم‌اندیشی نخبگان ستایشـــگری اهل‌بیت علیهم‌السلام در حالی برگزار شد که دو هدف عمده را دنبال می‌کرد؛ هدف اول اینکه در ابتدا مداحان جوان و مداحان پیش‌کسوت بتوانند به تبادل‌نظر و تألیف قلوب بپردازند تا مداحان جوان بتوانند راه مداحان پیش‌کسوت را دنبال کنند. دومین هدفی که این همایش دنبال می‌کرد، تبیین مســـائل سیاســـی روز جهت بصیرت‌افزایی در مداحان و شاعران کشور است تا آن‌ها نیز بتوانند این بصیرت را به مردم انتقال دهند.

از آنجایی که وظیفه اصلی مداحان بصیرت‌افزایی و بینش‌افزایی در مردم اســـت، باید پشت شور و هیجان حسینی، شعور و معرفت حسینی گنجانده شود. لذا توجه به فرمایشات رهبر معظم انقلاب مدظله باید جزء اصلی‌ترین وظایف مداحان و شعرای آئینی باشد و متأسفانه دور شـــدن از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب و تبعیت نکردن برخی مداحان از این رهنمودها بزرگ‌ترین چالش جامعه مداحان کشور است که باید به آن توجه شود.

با توجه به گســـترش شـــبکه‌های مجازی شاهد آن هستیم که متأســـفانه دشمن با انتشار برخی تصاویر قمه‌زنی شـــیعیان، به دنبال تخریب چهره شـــیعیان است و از طرفی با اینکه دســـتگاه‌ها و نواهای اباعبدالله﵇ جزء قدیمی‌ترین و اصیل‌ترین موسیقی‌ها است، متأسفانه برخی مداحان برای ســـاخت مداحی‌های خود از آهنگ‌های بیگانه استفاده می‌کنند و این امور را ملعبه دست بیگانگان قرار می‌دهند.

در این همایش بحث‌های تخصصی در مورد بایدها و نبایدهای مداحی و شعر آئینی مطرح شـــد و حاضران به تبادل‌نظر پرداختند و نظـــرات و دغدغه‌های رهبر معظم انقلاب[مدظله] در خصوص مداحی و هیأت‌های مذهبی بیان شد. یکی از سخنرانان این همایش حجت‌الاسلام والمســـلمین علیرضا پناهیان بود که به‌خوبی به موضوع جایگاه تأثیرگذار ستایشـــگری و وظایف ستایشگران اهل‌بیت﵈ پرداختند.

بـــه امیـــد روزی که تمام هیأت‌هـــای مذهبی مـــورد رضایت و زمینه‌ســـاز ظهور حضرت ولی‌عصر﵇ باشند.

رهبر معظم انقلاب به‌ویژه در این زمینه واقعا کولاک کردند که فرمودند: «مداحان ارجمند فقط روضه نمی‌خوانند، نصیحت هم می‌کنند، موعظه هم می‌خوانند، حماسه هم می‌خوانند». در همه زمینه‌ها کافی است شعر به دستشان برسد. گاهی ممکن است یک سخنران یا یک مداح در عرصه‌های مختلف به‌خوبی اظهار نظر نکند؛ ولی مداحی، محل اظهار نظر در همه زمینه‌هاست و می‌توان به زیبایی به همه این‌ها پرداخت.

گستره موضوعات در مداحی

نه از باب ابراز ارادت، نه از باب تملق اســـت؛ بلکه احســـاس می‌کنم جامعه ما به‌ویژه خود ذاکـــران اهل‌بیت‌ﷺ باید به ارزش این جایگاه بیشـــتر توجه کنند. تفـــاوت کاری که ذاکر اهل‌بیت‌ﷺ می‌کند با کاری که سخنران انجام می‌دهد این است: ذاکر اهل‌بیت‌ﷺ مثل سِرم که به رگ می‌زنند، مستقیم وارد خون می‌شود و معارف را این‌گونه منتقل می‌کند؛ ولی کار سخنران مثل پماد است که باید روی پوست مالید. حالا این پماد چه‌قدر نفوذ کند؛ آیا اصلاً نفوذ می‌کند یا نه؟ در عروق جاری می‌شود یا نه؟ ما کارمان را این‌طور می‌بینیم. دراین‌باره باید فکر کرد. حالا این فکر چه‌قدر تأثیرگذار باشـــد، چه‌قدر مخاطب داشـــته باشد معلوم نیست. خود ما با اینکه اهل منبر و وعظ و خطابه هستیم وقتی با ماشین همراه خانواده به مسافرت می‌رویم، همیشه مداحی گوش می‌دهیم.

دراین‌باره چند نکته قابل توجه اســـت: اولاً مداحی بیشـــتر مخاطب دارد و بیشتر در جان

انســـان می‌نشیند؛ ثانیاً ســـروده، نوحه و مداحی بارها تکرار می‌شـــود و مردم آن را حفظ می‌شوند؛ ولی معمولاً درباره سخنرانی این اتفاق نمی‌افتد. این تکرارشدن سخنرانی موضوع برنامه‌ریزی شـــما هســـت یا نه؟ یعنی برنامه‌ریزی شـــود که ما یک جمله بگوییم و مردم یک‌نفس صدبار آن را گوش بدهند و هر بار با آن زمزمه کنند. این امکان برای ســـخنرانی به‌سادگی فراهم نیست.

جدای از سه ویژگی فوق، دایره مداحی هم گسترده‌تر است؛ رهبر معظم انقلاب به‌ویژه در این زمینه واقعاً کولاک کردند که فرمودند: «مداحان ارجمند فقط روضه نمی‌خوانند، نصیحت هم می‌کنند، موعظه هم می‌خوانند، حماســـه هم می‌خوانند». در همه زمینه‌ها کافی است شعر به دستشان برسد. گاهی ممکن است یک سخنران یا یک مداح در عرصه‌های مختلف به‌خوبـــی اظهارنظر نکند؛ ولی مداحی، محل اظهارنظر در همه زمینه‌هاســـت و می‌توان به زیبایـــی به همه این‌ها پرداخت. در مداحی می‌توان فرهنگ جامعه را از هر بُعد مورد توجه قرار داد. ظرفیتی که در مداحی هست واقعاً در سخنرانی نیست.

من به‌عنوان یک شنونده مدیحه‌سرایی‌ها، نوحه‌ها و نوحه‌خوانی‌ها عرض می‌کنم که از همه ظرفیت مداحی اســـتفاده نشده اســـت. مداحی می‌تواند در بسیاری از زمینه‌ها ورود کرده، تأثیرگذاری کند و نقشه بکشد تا حرفی برای گفتن داشته باشد. ولی کار ذاکران اهل‌بیت‌ﷺ چنان شلوغ است و آن‌قدر مشتری دارند و قسمت‌های پرجاذبه مداحی به‌قدری بازار دارد که دیگر به فکر سَبک زندگی و تجارت و کاسبی مردم در سخنرانی‌ها و برنامه‌هایشان نیستند.

برای نحوه جلســـه جشـــن و ماتم مردم باید فکری کرد. باید بـــرای همه زمینه‌ها که یکی از آن‌ها هم مســـائل سیاسی اســـت، فکر کرد. دائره مداحی خیلی دائره گسترده‌ای است.

برای نحوه جلسه جشن و ماتم مردم باید فکری کرد. باید برای همه زمینه‌ها که یکی از آن‌ها هم مسائل سیاسی است، فکر کرد. دائره مداحی خیلی دائره گسترده‌ای است.

وقتی مداح رفتار اباعبدالله‌الحسین﵇ با حضرت رباب یا رفتار اباالفضل‌العباس﵇ نسبت به برادر بزرگ‌ترش را در همان مقام زبان حال با کمی از جزئیات بیان می‌کند، گویا به همه برادرهای کوچک‌تر می‌گوید که با برادر بزرگ‌ترتان باید این‌گونه رفتار کنید. وقتی در جزئیات وارد می‌شوید گویا برای مردم سبک زندگی طراحی می‌کنید. ظرفیت مداحی بسیار بالاست.

من امیدوارم هیأت رزمندگان موفق شود جلسات نقد مداحی برگزار کند. برای حدود چهارصد نوار یک هفته وقت بگذارید؛ مثلاً جلسه در مشهد مقدس یا شمال برگزار شود که نصف روز به تفریحات دیگر همراه با آرامش و آسایش بگذرد. بعد مداحان مشهور و مداحان دیگر یک نوار از خودشان بیاورید؛ مثلاً شب عزای علی‌اکبر﵇ یا شب حضرت اباالفضل﵇ یک مداح نقد فنی شود؛ نه اینکه ایراد گرفته شود. بلکه نقاط امتیاز آن‌ها هم گفته شود. تأثیرش در مخاطب بررسی شود. کسانی هم که می‌توانند تأثیر آثار مداحی را در مخاطبان در درازمدت بررسی کنند، مداحی‌ها را ارزیابی کنند؛ حتی روان‌شناسان تبلیغات می‌توانند این‌ها را تحلیل کنند.

مداحی ابزار تأثیرگذار تبلیغی

الان رشـــته‌های علمی فراوانی در علم مدیریت تحت عنوان بازاریابی وجود دارد که مربوط به کار مداحان اســـت. من مشـــاور یک پایان‌نامه در موضوع تبلیغات بـــودم. مداح خیلی تعیین‌کننده اســـت. شما واقعاً چهره‌به‌چهره و از نزدیک، پیشـــرفته‌ترین هنر را در اختیار دارید. خیلی‌ها فکر می‌کنند ســـینما یا موســـیقی یا بســـیاری از این نوع روش‌های رایج، مؤثرترین ابزار تبلیغ اســـت. به جهان نگاه کنید، می‌بینید. اگر همین الان هم در هر جای دنیا یک نفر بایســـتد و با میکروفون انواع و اقســـام اجراهای فردی را داشته باشد، یکی از مؤثرترین فنون است. آن‌ها ممکن است مداحی نکنند، ولی شما مداحی می‌کنید. این ابزار، کهنه‌شـــدنی نیست و کهنه هم نشده است. بلکه به آن تنوع دادند و رونق بخشیدند؛ منتها باید از آن خیلی استفاده کرد.

همین الان هم در هر جای دنیا یک نفر بایستد و با میکروفون انواع و اقسام اجراهای فردی را داشته باشد، یکی از مؤثرترین فنون است. آن‌ها ممکن است مداحی نکنند، ولی شما مداحی می‌کنید. این ابزار، کهنه‌شدنی نیست و کهنه هم نشده است.

آنچه گفته شـــد بیان ضرورت است. حالا ارادتمان را باید به‌صورت‌های دیگری اثبات کنیم. من همیشـــه بالای منبر می‌گویم: من مقدمه بودم برای روضه که اصل جلسه است. رسماً می‌گویم: صحبت من مقدمه مداحی اســـت. اعتقاد من این اســـت که ارادتم را آنجا باید به مداحی نشـــان دهم. اساتید مداحی در جلســـه ما حضور دارند. تخصص همه شما در این زمینه‌ها از بنده بیشـــتر اســـت؛ ولی من به‌عنوان یک ناظر بیرونی با کمی تخصص در امر تبلیغات در رشـــته تخصصی تبلیغ حوزه، گپ‌وگفت‌هایی در سطوح مختلف علمی داریم؛ مداحی ازاین‌منظر هنر بسیار فاخر و مؤثری است. هنر بی‌نظیر و بی‌بدیلی است. استفاده از این هنر برای انواع مشکلات جامعه بسیار ضرورت دارد. الان هم اهمیت جلسه به جمعیت آن نیســـت. کلیپ پنج دقیقه‌ای یک مداح پخش می‌شود و همه با موبایل آن را می‌بینند؛ مثلاً فلان مداح میان پنج نفر مســـتمع درباره عروســـی حضرت زهرا﵄ و امیرالمؤمنین﵇ شعری خوانده است. با همین اجرا سبک عروسی‌کردن را به مردم یاد می‌دهد؛ به‌شرطی که کمی هم در جزئیات وارد شود.

پس دایره تأثیر مداحی در موضوعات مختلف را باید دریافت. ضمن اینکه عمق تأثیر مداحی بالاســـت و بعضی از روش‌هایی را که موجب این اتفاق می‌شـــود، عرض کردم. ما وقتی از مداحی صحبت می‌کنیم طبیعتاً شعر را هم شامل می‌شود. خود شما الحمدلله دست‌به‌قلم هستید. حتی مداح به شاعر سفارش می‌دهد. این مراوده‌ها همیشه هست. ما یک زمانی اگر مداح جلسه نمی‌آمد، مداحی هم می‌کردیم. بعد دیدیم شعر نداریم؛ مجبور شدیم شعر هم بگوییم و شـــاعر هم شدیم. شاعر نیستم؛ ولی اجباراً کسانی که در این وادی کار می‌کنند، خودشان با شعرگفتن هم درگیر می‌شوند.

تأثیر مداحی در شکل‌گیری صفات اخلاقی و منش اسلامی

مداحی مثل تزریق داخل رگ و خون است. می‌گفت: بزن تو رگ! مداحی این است.

ممکن است مردم نسبت به نیازهایشان خود آگاه نباشند تا اعلام کنند چه نیازهایی دارند؛ ولی دو تا از نیازهای بسیار کلیدی و پایه‌ای مردم این است که اخلاق و شخصیت و منش اصیل اسلامی پیدا کنند؛ جای این کار در جلسات شماست. چند نمونه از ویژگی‌هایی که عده‌ای ممکن است در مداحی‌ها ضد این‌ها عمل کنند، عرض می‌کنم.

مداحی مثل تزریق داخل رگ و خون است. می‌گفت: بزن تو رگ! مداحی این است. ما مثلاً چـــه‌کار می‌کنیم؟ ما یک جزوه را معرفی می‌کنیم؛ طـــرف هم برمی‌دارد و داخل کتابخانه می‌گذارد؛ معلوم نیســـت بخواند یا نخواند. من می‌بینم که اثرش واقعاً خیلی کمتر اســـت. مداح باید چه‌کار کند؟ البته من نمی‌خواهم تکلیف تعیین کنم. من به‌عنوان یک مســـتمع فقط تقاضا می‌کنم؛ چون ممکن است مردم نتوانند این تقاضاها را بیان کنند؛ ولی من فکر می‌کنم و به‌عنوان یک مستمع این سؤالات را می‌پرسم.

خوب است که صفات پایه‌ای شخصیت مخاطبان شما، پای منبرهای شما شکل بگیرد. من می‌خواهم به شـــکل دیگری حرف بزنم. اصلاً نیاز نیست شما کسی را انقلابی بار بیاورید. تا می‌گوییم جلسه را کمی انقلابی اداره کنید به بعضی‌ها برمی‌خورد. می‌گویند: ما می‌خواهیم به امام حسین﵇ بپردازیم. اصلاً انقلاب را کنار بگذارید؛ آیا مخاطبت باید جوانمرد باشد یا نه؟ آیا باید غیرتی باشـــد یا نه؟ آیا مخاطبت باید شجاع شود یا نه؟ مخاطبت نباید عواطف مسیحی‌وار و تبشیری داشته باشد؛ مخاطبت باید قدرتمند شود یا نه؟



ممکن است مردم نسبت به
نیازهایشان خود آگاه نباشند تا
اعلام کنند چه نیازهایی دارند؛
ولی دو تا از نیازهای بسیار کلیدی
و پایه‌ای مردم این است که اخلاق
و شخصیت و منش اصیل اسلامی
پیدا کنند؛
جای این کار در جلسات شماست.



قوت‌قلب محوری‌ترین صفت اخلاقی دینی

مهم‌ترین اثری که دین باید در آدم بگذارد چیست؟ مهم‌ترین صفت این است که باید قوی شود.

اصلاً شـــما ذاکران اهل‌بیت﵈ بفرمایید تا بنده نود درصد سخنرانی‌هایم را که احیاناً مفید باشد برای شما بگویم. شـــما ببینید برای مردم چه‌کار می‌توانید انجام دهید. یک نمونه را عرض کنم. مهم‌ترین اثر دین در آدم چیســـت؟ من این مطلـــب را در محضر رهبر معظم انقلاب در یک سخنرانی عرض کردم. ایشان محتوای این سخنرانی را تأیید کردند. شما به اجرای بد من نگاه نکنید. من نمی‌توانم خوب سخنرانی کنم؛ ولی آقا هم به اجرای بد بنده کاری نداشتند؛ بلکه به محتوای سخن توجه داشتند و خیلی تعریف کردند و فرمودند این مطلب باید برای جوانان جا بیفتد. اگر کســـی دین‌دار باشد، اثرش چیست؟ می‌گویند: باید مهربان باشد، مرتب باشد، متواضع باشد. شاید هزارتا صفت خوب را بگویند ولی صفت اصلی را نگویند. مهم‌ترین اثری که دین باید در آدم بگذارد چیست؟ مهم‌ترین صفت این است که باید قوی شـــود. اگر کسی قوی نشد ولی مهربان شد، خاک بر سر مهربانی‌اش. مهربانی‌اش

از ســـر ضعف است. اگر کسی قوی نبود و متواضع شد، ذلیل است. این که متواضع نیست. متواضع اســـت؟! تواضعش هم توی سرش بخورد. کسی که قوی نشد اگر نماز هم بخواند، نمازش هم به کمرش بزند. این آدم به‌دردنخور و ضعیف است. در روایت آمده خدا از مؤمن ضعیف بدش می‌آید. خدا از این آدم بدش می‌آید.

مهم‌ترین اثر دین چیست؟ مهم‌ترین اثر دین این است که آدم قوی شود و از کسی نترسد؛ از فقر نترسد؛ از شماتت دیگران نترسد. «لایَخافُونَ لَوْمَةَ لائِمٍ»؛[1] از سرزنش نترسد؛ قوت و قدرت داشـــته باشد. در آن سخنرانی مفصل توضیح دادم این دینی که در جامعه ما تبلیغ می‌شـــود، دین مسیحی اســـت که می‌گوید: اگر تو را زدند، آن طرف صورتت را هم بگیر تا بزنند. مردم ضعیف‌بودن را با خوب‌بودن اشـــتباه می‌گیرند. ببخشـــید، عذرخواهی می‌کنم ولی این‌ها غلط می‌کنند. این خوب بودن نیســـت. این ضعیف بودن اســـت. از من به‌عنوان یـــک همکار کوچک‌تر خودتان، که یک زمانی روضه‌خوانی می‌کردم و یک ذره روضه‌خوانی می‌کنم ولی نمی‌توانم کار شـــما را انجام بدهم، این را بپذیرید؛ شـــما روضه چه کســـی را می‌خوانید؟ حضـــرت علی‌اصغر﵇ را؟ روضه حضرت قاســـم﵇ را؟ هر روضه‌ای می‌خواهید بخوانید؛ هرکس مدتی پای منبر شـــما آمد و رفت باید آدم قوی‌ای شـــود و خوب‌بودن را مساوی با قوی‌شدن بداند.

چرا حضرت ولی عصر﵇ وقتی تشـــریف‌فرما می‌شـــوند، به هر نفر از مؤمنین و اصحابشان قدرت چهل مرد را می‌دهند؟ این قدرت چیست؟ چرا نفرمود ایمانشان را افزایش می‌دهند؟ فرمود قدرتشـــان را افزایش می‌دهند. مؤمن ضعیف و گردن‌شکســـته به‌درد ما نمی‌خورد؛

۱. سوره مبارکه مائده ، آیه ۵۴.

شـــما مواظب باشـــید. گاهی در میان مریدان هم ممکن اســـت آدم‌های ضعیف پیدا شود؛ ایـــن آدم‌های ضعیف را تحویل نگیرید. چون کم‌کم هیأت می‌شـــود جای آدم‌های ضعیف؛ درحالی‌که هیأت جای لوتی‌های قوی است. اگر برای القای این قدرت خوب است از ادبیات لوتی استفاده کنید، استفاده کنید تا معنی این قدرت را القاء کنید. بگذارید هرکس هرچه می‌خواهد، بگوید. بچه‌مثبت‌بازی درنیاوریم که من آدم خوبی هســـتم، گربه شـــاخت نزنه، آهســـته برو، آهسته بیا. این‌ها به‌درد دین نمی‌خورد؛ شما مخاطبت را قدرتمند بار بیاورید؛ حکایت‌هایی از حضرت علی اکبر﵇ بگویید. رجز اباالفضل العباس﵇ را ببینید:

«و اللّه ان قطعتموا یمینی انی احامی ابدا عن دینی»

یک نکته کوچک، یک خط، یک کلمه بگویید که وقتی دســـت‌های حضرت اباالفضل﵇ را زدند، حتی برنگشـــت به دستش نگاه کند. من می‌گویم: حتی پلک هم نزد. دست چیست اصلاً؟ رها کن. این‌قدر روحیه قوی‌ای داشـــت! باید دراین‌باره هزار بیت مثنوی سرود. وقتی کســـی از این روضه حضرت اباالفضل﵇ بیرون رفت باید تبدیل به یک آدم قوی شود؛ من نمی‌دانم باید چه‌کار کنیم؟ روضه علی اصغر﵇ هم باید طوری شـــود که مســـتمع را قوی کند؛ این قوت باید بیاید. قوت روحی حضرت زهرا﵄ چیزی است که همه خانم‌های هیأتی بایـــد از آن لذت ببرند. در روضه حضرت زینب﵄ ایـــن را اجرا می‌کنید. کم‌وبیش به روضه حضرت زینب﵄ که می‌رســـید یک چشمه‌هایی می‌آیید. ولی به‌هرحال مقتل‌خوان هستید. عمر سعد به لشکریانش دستور داد: اسرا را بردارید و بچه‌ها را سوار کنید. لشکریان به‌سمت بچه‌ها رفتند؛ امام زین‌العابدین﵇ می‌فرمایند: «زینب کبری﵄ نهیب زدند که کنار بروید»؛ از هیبت نهیب حضرت، عقب کشـــیدند. در روایت آمده که تا پایان ســـفر جرأت نکردند به

از کلام معصوم﵇ هم می‌شود فهمید که مهم‌ترین اثر دین و معنویت در یک انسان، ایجاد قوت قلب است. مهم‌ترین اثر محبت اباعبدالله الحسین﵇ قوت قلب است؛ مهم‌ترین اثر اشک، قوت قلب آن است. دلی که برای امام حسین﵇ گریه کرد باید مقابل گلوله‌ها سینه سپر کند.

بچه‌های حسین﵇ نزدیک شـــوند؛ فرمود: «کنار بروید! این‌ها نامحرم هستند؛ این‌ها حرم پیغمبر ﷺ هستند».

بنده نمی‌خواهم پیشـــنهاد کنم که شما همه صفات اخلاقی را کار کنید؛ حسادت، غیبت، تکبر، تواضع، نظم، مهربانی، از خودگذشـــتگی، سخاوت. نمی‌توان همه این فهرست بلند را اجرا کرد. تناسب بعضی از این‌ها با روضه‌خوانی کم است. انتقال بعضی از این‌ها هم سخت است. یک صفت پایه‌ای داریم. سند این صفت پایه‌ای چیست؟ من یک سخنرانی علمی در حضور آقا کردم. من ایشان را واقعاً به‌عنوان یک اسلام‌شناس قبول دارم. از کلام معصوم﵇ هم می‌شـــود فهمید که مهم‌ترین اثر دین و معنویت در یک انسان، ایجاد قوت قلب است. مهم‌ترین اثر محبت اباعبدالله الحسین﵇ قوت قلب است؛ مهم‌ترین اثر اشک، قوت قلب آن است. دلی که برای امام حسین﵇ گریه کرد باید مقابل گلوله‌ها سینه سپر کند. این با کار شما تناسب دارد. کار شما اصلاً همین است.

من دو تا پسربچه دارم. اگر بچه‌هایم را پای روضه‌های شما بفرستم که درس اخلاق بگیرند، شما چه می‌کنید؟ اگر همین دو صفت را به آن‌ها بدهید، برای بچه‌های من بس است؛ آدم می‌شوند. چون در روایت دارد: هر گناه و هر صفت بدی بر اثر ضعف روحی است. شما ضعف روحی را برطرف کنید. ممکن است شما در محیط‌هایی مداحی کنید که مخاطبتان خیلی انقلابی نباشد و دوست نداشته باشد از سوریه و شلمچه حرف بزنید. آفرین که چنین جایی هم روضه می‌خوانید و با روضه‌خواندن آن‌ها را نگه می‌دارید. این بد نیست. ولی لازم نیست صریحاً انقلابی مداحی کنید. اگر مخاطب شما ظرفیت نداشت، باید پایه‌اش را درست کنید. اگر از روضه، قوی بیرون برود دیگر غرب‌زده نمی‌شـــود. غربزدگی ناشی از ضعف است. پس

اولین مفهومی که به‌عنوان یک مستمع پیشنهاد می‌کنم، این است.

امام صادق﵇ می‌فرمایند: «سوره فجر را زیاد در نمازهایتان بخوانید». این سوره، سوره امام حسین﵇ است. در مقاتل هم آمده است که امام حسین﵇ آیات پایانی سوره فجر را زیاد می‌خواندند. «یا أَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ»؛[1] این اطمینان، پایه آن قوت قلب است. قوت قلب همه اصحاب امام حسین﵇ در یک سطح نبود. امام حسین﵇ و اهل‌بیتش﵈ و برخی از اصحاب حتی یک ذره هم رنگ‌پریدگی پیدا نکردند. ولی بعضی از اصحاب گاهی کمی احساس خطر می‌کردند و به امام حسین﵇ پناه می‌بردند.

بعضی از مداحی‌ها روضه را به‌سمت روضه‌هایی به سبک مسیحی می‌برد و مستمع را ضعیف می‌کند. بعضی شعرهایی از جنس شعر نو می‌خوانند؛ البته خواندن شعر نو عیب ندارد. من به این طریقه‌ها کاری ندارم؛ ولی اینکه طوری بخوانند که مردم از جنگ بترسند، به‌سمت صلح بروند و به‌شکل دیگری برای امام حسین﵇ عزاداری کنند، قابل قبول نیست. یک دفعه بگویید: امام حسین﵇ تصادف کردند، فوت کردند، سکته فرمودند. کارشان کم‌کم به اینجا می‌کشد. این یک مسئله است.

بعضی از مداحی‌ها روضه را به‌سمت روضه‌هایی به سبک مسیحی می‌برد و مستمع را ضعیف می‌کند. بعضی شعرهایی از جنس شعر نو می‌خوانند؛ البته خواندن شعر نو عیب ندارد. من به این طریقه‌ها کاری ندارم؛ ولی اینکه طوری بخوانند که مردم از جنگ بترسند، به‌سمت صلح بروند و به‌شکل دیگری برای امام حسین﵇ عزاداری کنند، قابل قبول نیست.

۱. سوره مبارکه فجر، آیه ۲۷.

نمادهای حماسه و قدرت هیأت و ضرورت توجه ویژه به آن‌ها

من گله‌ای دارم که ربطی به ذاکران اهل‌بیت‌ﷺ ندارد؛ ولی آن‌ها می‌توانند این مشکل را حل کنند. دسته‌های عزاداری ضعیف شده است. رونق سابق را ندارد. کلمات امام‌ﷺ را درباره دسته‌های عزاداری ببینید که چه‌قدر دسته‌های عزاداری را تقدیر می‌کنند. آن‌وقت این کلمه را هم مدنظر داشته باشید که امام‌ﷺ فرمودند: «مکتبی که پای آن هیاهو نداشته باشد، به سر و سینه‌زدن نداشته باشد، این مکتب ازبین می‌رود». دسته‌های عزاداری باید رونق پیدا کنند. دسته عزاداری وقتی از دور می‌آید، آدم باید احساس کند که یک لشکر رزمی می‌آید. یک لشکر سینه‌زن به‌معنای یک جمع غمگین و افسرده نیست.

بعضی از این سبک‌های واحد عجب هیبتی دارند! جلسه را با واحد که اداره می‌کنید، مجلس یک هیبتی می‌گیرد؛ واحد را در مراسمتان زیاد کنید. این نیاز جامعه ماست. مرد

باید قوی باشـــد. خانم‌ها روضه‌های حضرت زینب﵄ و روضه‌های حضرت زهرا﵄ را دارند که برای همه مردها هم درس‌آموز هستند.

رفتار مهم اســـت. فدای شما بشوم؛ خدا شاهد است من این‌ها را به‌عنوان سینه‌زن مجلس شـــما می‌گویم. فکر نکنید من می‌خواهم به شـــما درس بدهـــم؛ درس پس می‌دهم. واقعاً تقاضایم این است. من گاهی بعد از منبر می‌نشینم تا سینه‌زنی واحد را بشنوم و بعد بروم. بچه‌ها و رفقای من می‌دانند که من عشـــق واحد هستم. یعنی وقتی واحد می‌خوانند باید احســـاس شـــجاعت و مردانگی و قوت و قدرت کنیم. نباید فقط نشست و سر را کج کرد و اشک ریخت و رفت. آن اشک اصالت این قوتی را که به روح داده می‌شود ندارد. در قسمت واحد سینه‌زنی، در این هیبت مردانه و شجاعانه‌ای که به جلسه می‌دهید ـ که می‌توانید آن را طولانی‌تر کنید و شـــکلش را حماسی کنید ـ و در این اتفاقی که می‌افتد، انقلابی‌گری و تربیت انقلابی انجام می‌گیرد؛ مثل دسته‌های عزاداری‌ای که سرشار از قدرت باشد. مفهوم قوت قلب «كَالْجَبَلِ الرَّاسِخِ لَا تُحَرِّكُهُ الْعَوَاصِف»[1] است.

در قسمت واحد سینه‌زنی، در این هیبت مردانه و شجاعانه‌ای که به جلسه می‌دهید ـ که می‌توانید آن را طولانی‌تر کنید و شکلش را حماسی کنید ـ و در این اتفاقی که می‌افتد، انقلابی‌گری و تربیت انقلابی انجام می‌گیرد.

روایات بسیاری آمده که هرقدر شما در رثای اهل‌بیت﵈ شعر بگویید که این قوت را نشان بدهد، باز هم جا دارد؛ مثلاً درباره فوتبالیست‌ها می‌گویند: کهکشانی‌ها آمدند. معنی ندارد کلمه کهکشان را برای یک بازیکن ورزش به‌کار ببرند. البته آن هم به جای خودش احترام دارد. ما از این کلمات بزرگ باید برای بچه‌های امام حســـین﵇ استفاده کنیم. نباید کاری کنیم که وقتی به امام حسین﵇ رسیدیم، نتوانیم چیزی بگوییم.

۱. بحارالانوار، مجلسی، ج۳۹، ص۳۵۱ تاریخ امیر المؤمنین، باب ۹۰ و ج۴۲، ص۳۰۳ تاریخ امیر المؤمنین.

برخی از مداحی‌ها می‌خواهند عاطفه را بر قدرت غلبه بدهند؛ این غلط اســـت. عاطفه نباید بر قدرت غلبه پیدا کند. عشق و عاشقی نسبت به امام حسین﵇ نباید بر مفهوم قوی‌شدن مخاطــب غلبه پیدا کند. این قدرت، همه کارها را درســـت می‌کند. اگر کســـی یک متن عاشقانه برای امام حسین﵇ سرود، عیبی ندارد. ولی باید در شعرش قدرت باشد.

می گفتند: بعد از امام حسین ﷺ سایر ائمه ﷺ عقلانی رفتار کردند. یعنی امام حسین ﷺ عقلانی رفتار نکرد! خیلی راحت این مطلب را نوشته بود. این فضا در محیط روشن‌فکری ما وجود دارد. حتی بعضی‌ها با آن رأی جمع می کنند و پست می گیرند.

عقلانیت دینی و هیأت

نکته بعدی، نکته عقلانیت و عشق است؛ عقلانیت و انقلابی‌گری است؛ عقلانیت و دیانت و دین‌داری است. امام حسین ﷺ تصمیم عاقلانه‌ای گرفتند؛ حتی اباالفضل العباس ﷺ. قبول دارم که گاهی آدم در مقام شعر عقل را زمین می‌زند تا عشق را بالا ببرد؛ ولی نباید کار به‌جایی برسد که مخاطب به اشتباه بیفتد؛ من معتقد نیستم اباالفضل العباس ﷺ عقل و عشقش با هم درافتاده باشد؛ شما قبول دارید که اباالفضل ﷺ با خود گفته باشد: آب بخور؟! عقل می‌گفت: آب‌خوردن با لب تشنه امام حسین ﷺ اصلاً ارزش ندارد؛ زشت است. عقل اباالفضل العباس ﷺ این را می‌گوید، عشق او هم همراه آن است. محال است که عقل اباالفضل العباس ﷺ این‌قدر کوچک شود که بگوید: آب بخور عباس! حالا که به آب رسیده‌ای به نفع توست که آب بخوری.

من به برخی از سروده‌هایی که نزاع عقل و عشق درست می‌کنند، کاری ندارم. البته آن هم به جای خود زیبایی خاص خودش را دارد؛ هرگز چیزی به‌صورت مطلق نفی نمی‌شود؛ ولی رفتار امام حسین‌ؑ در کربلا عقلانی بود یا نبود؟ امام حسین‌ؑ در جواب حضرت سکینه‌ؑ چه فرمودند؟ شـــاید یکی از پرســـوزترین مصائب کربلا همین یک جمله حضرت سکینه‌ؑ باشد؛ حضرت سکینه‌ؑ عرضه داشت: «رُدَّنَا إِلَى حَرَمِ جَدِّنا»؛[1] این خیلی سوزناک است. همین یک جمله برای عاشورا بس است؛ دختر بالغ این را به بابا بگوید!؟ یعنی خدا همه سوختن‌ها را برای اباعبدالله الحســـین‌ؑ طراحی کرده اســـت؛ یعنی برای امام حسین‌ؑ کم نگذاشته است. امام حسین‌ؑ چه جوابی دادند؟ فرمودند: «اگر دشمن می‌گذاشت، پرنده از خانه‌اش آواره نمی‌شـــد»؛ یعنی راهی نیست. راهی جز این مقاومت نبود. نفرمودند راهی بود ولی ما عاشق خداییم و به جاده زده‌ایم؛ نه. من در یکی از سخنرانی‌های سیاسی خودم گفتم: ما در حال مقاومت هستیم و کار دیگری نداریم؛ این‌قدر به ما می‌گویند: «انقلابی نباش! انقلابی نباش!» پس چه کار کنیم؟ بگذاریم ســـرمان را در خانه خودمان ببرند؟ مثل ســـید حسن نصرالله که فرمود: «ما می‌رویم در ســـوریه دفـــاع می‌کنیم؛ می‌دانیم که برایمان هزینه هم دارد؛ ولی بهتر از این است که مثل گوسفند بایستیم تا بیایند سرمان را ببرند».

پس جواب عاقلانه این اســـت که عقل در کربلا موج می‌زند. آقای حجاریان مقاله‌ای چاپ کرد که من ســـیزده آبان آن سال که مصادف با عاشورا بود درباره آن سخنرانی کردم. این بحث‌ها ادامه دارد. فقط مربوط به آن سال نیست که می‌گفتند: بعد از امام حسین‌ؑ سایر ائمه‌ؑ عقلانی رفتار کردند. یعنی امام حسین‌ؑ عقلانی رفتار نکرد! خیلی راحت این مطلب

۱. الدمعة الساكبة، ج ۴، ص ۲۳۶ .



بُعد عقلانی دین را باید به دست ذاکران اهل‌بیت علیهم‌السلام داد که عشق‌پرور هستند؛ شما عشق‌پرور هستید. شما عاشق‌پیشه هستید. شما توزیع‌کننده عشق هستید و محور دین ما عشق و حب به اهل‌بیت علیهم‌السلام است.



را نوشته بود. این فضا در محیط روشن‌فکری ما وجود دارد. حتی بعضی‌ها با آن رأی جمع می‌کنند و پســت می‌گیرند. مســئولیت می‌گیرند. حالا نمی‌گویم رئیس‌جمهور یا نماینده مجلس. به‌هرحال برخی معتقدند که باید عقلانی رفتار کنیم. مگر امام حســین‌ؑ عقلانی رفتــار نکرد؟ مگر حضرت زینب‌ؑ عقلانی رفتار نکرد؟ مگر حضرت قاســم‌ؑ عقلانی رفتار نکرد؟ شما مداحان که می‌توانید بیان عاشقانه داشته باشید، بیان عقلانی هم داشته باشید! اتفاقاً ببینید چه‌قدر خوب می‌شــود؛ قاسم‌بن‌الحسن‌ؑ هرچه حساب کرد دید جان‌داشتن بدون حســین‌ؑ ارزش ندارد. به خدا حساب کرد. حساب و کتاب کرد. «يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُشَيَّدَةٍ»؛[1] خدا در قرآن درباره کسانی که از جنگ می‌ترسند فرمود: «مرگ شما را در بر می‌گیرد؛ خیال نکنید اگر به جنگ نروید مرگ شما را نخواهد گرفت»؛ بُعد عقلانی دین را باید به دســت ذاکران اهل‌بیت‌ؑ داد که عشق‌پرور هستند؛ شما عشق‌پرور هستید. شــما عاشق‌پیشه هستید. شما توزیع‌کننده عشــق هستید و محور دین ما عشق و حب به اهل‌بیت‌ؑ اســت. بُعد عقلانیت دین را شما باید بگویید؛ نه اینکه امثال من در بالای منبر بُعد عقلانی دین را بگویم و شما بعد از من بُعد عاشقانه دین را بگویید.

در روضه‌ها جمله‌ای مشهور شده که «وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُون»؛[2] این جمله آیه قرآن است. «وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا» یک جمله عاقلانه است. این یک کلام عاقلانه قرآن است؛ یعنی می‌گوید: معلوم می‌شــود چه کسی ضرر کرده است؛ حضرت زینب‌ؑ به یزید ملعون فرمودند: معلوم می‌شود چه کسی ضرر کرده است. به ما انقلابی‌ها می‌گویند: این‌ها انقلابی هســتند؛ ولی باید عقلانی رفتار کرد؛ کسی نیســت به این‌ها بگوید ای نامردهای روزگار!

انقلاب یعنی چه؟ یعنی عاقلانه. هیچ احمقی در دنیا به آمریکا اعتماد نمی کند؛ یعنی حتی احمق‌ها هم اعتمادنمی کنند. انقلابی یعنی عاقل. دین یعنی عقلانی.

۱. سوره مبارکه نساء، آیه ۷۸.
۲. سوره مبارکه شعرا، آیه ۲۲۷.

کجای انقلاب، کجای حرف امام﵀، کجای رفتار شهدا غیرعقلانی بوده که تو برای ما عقل آورده‌ای؟ کجای کار آن‌ها غیرعقلانی بود؟ کدام موضع انقلاب ما غیرعقلانی بود؟

من در یکی از سخنرانی‌هایم در دانشگاه لطیفه‌ای گفتم؛ آن‌ها از خنده غش کرده بودند. حالا نمی‌دانم می‌توانم شما را بخندانم یا نه. خنداندن و گریاندن مداح کار سختی است. اتفاقاً یکی از علت‌های خندیدن، سخن عاقلانه است؛ می‌گفتم: بچه‌ها در بله‌برون دیدید چه‌طور با داماد قرارداد می‌بندند؟ داماد تکه تن آدم می‌شود. پسر آدم می‌شود. عزیز آدم می‌شود؛ ولی موقع بله‌برون می‌گویند: آقای داماد! چندتا سکه می‌دهی؟ می‌گوید: ۱۴ یا ۲۴ سکه می‌دهم. تعداد همه سکه‌ها را می‌نویسند. نمی‌گویند: ما بیست تا سکه را می‌نویسیم ولی چهار سکه را خدا وکیلی خودت بده. تا حالا شده این‌طور قرارداد عقد ببندند؟ کسی با دامادش می‌خواهد قرارداد ببندد، همه چیز را می‌نویسد؛ بعد با دشمنش که قرارداد می‌نویسد، نصفش را می‌نویسد، نصفش را می‌گوید: «آقای کری! این تن بمیره، بدهید». آدم با دشمن این‌طوری قرارداد می‌بندد؟ ما برای چه انقلابی شدیم؟ برای اینکه می‌گوییم کار عاقلانه بکن. همین است دیگر؛ چیز دیگری نیست.

انقلاب یعنی چه؟ یعنی عاقلانه. هیچ احمقی در دنیا به آمریکا اعتماد نمی‌کند؛ یعنی حتی احمق‌ها هم اعتماد نمی‌کنند. انقلابی یعنی عاقل. دین یعنی عقلانی. نگذارید کسی از کنار مجلس روضه امام حسین﵇ رد شود و قیافه بگیرد و بگوید: این‌ها جلسات احساسی است، ما می‌رویم سراغ عقل؛ اتفاقاً عقل اینجاست. هرکه دیوانه ز عشق تو نشد عاقل نیست.

لزوم پرداختن به عقلانیت در ادبیات مداحی

بُعد عقل، دومین بُعد است. قوت روحی و عقل باید تقویت شوند.

بحث عقل باید در ادبیات مداحان جریان داشـــته باشـــد. پاسخ حضرت اباالفضل﵇ به امام حســـین﵇ در شـــب عاشـــورا، یک پاســـخ عاقلانه بود؛ عرض کرد: «یا اباعبدالله! ما بعد از شـــما زندگی کنیم؟! اصلاً این امکان دارد؟!» ما عقل و عشـــقمان با هم آمیخته است؛ ولی گاهی طوری از عشـــق حرف می‌زنیم که انگار دین و انقلاب ما واقع‌بینانه نیســـت. روایتی از امیرالمؤمنین علی﵇ نقل شـــده که به ابوموســـی اشعری نامه نوشتند. ابوموسی اشعری، بلاتشبیه، نماینده مذاکره‌کننده امیرالمؤمنین﵇ در مذاکره با دشمن است. بلاتشبیه مردم هم رأی دادند و او را به امیرالمؤمنین﵇ تحمیل کردند. حضرت در نامه نوشتند: «اگر عقل و تجربه را زیر پا بگذاری، شقی هستی»؛ همین! ما همه، عقل و تجربه می‌خواهیم.

آمریکا تا امروز نشـــان داده که به هیچ یک از قراردادهای بین‌المللی وفا نکرده اســـت. باید محکـــم بگیریم. ما عقلمان می‌رســـد. من این حرف‌ها را بالای منبـــر می‌گویم؛ ولی این‌ها

فایده‌ای ندارد. شـــما باید این حرف‌ها را در رگ و خون مردم تزریق کنید. مداح باید رفتار امام حسین﵇ و اصحاب ایشان را تبیین کند؛ مثلاً امام حسین﵇ با عمر سعد عقلانی حرف مـــی‌زد ولی آن احمـــقِ ملعون نمی‌فهمید. حضرت می‌فرمودند: «بعـــد از من به گندم ری نمی‌رســـی؛ پس نمی‌ارزد مرا بکشی». دو دو تا چهارتاست. آیا حضرت با او عقلانی صحبت نمی‌کردند؟ به خدا عاشـــورا سرشار از عقلانیت اســـت. مثلاً وقتی زینب کبری﵂ خواستند امام زین‌العابدین﵇ را تســـلی بدهند، چه کار کردند؟ روز یازدهم عاشورا وقتی دیدند امام زین‌العابدین﵇ با دیدن بدن‌های قطعه‌قطعه‌شـــده نزدیک است قالب تهی کنند، فرمودند: «عزیز برادرم! این صحرا را این‌طور نگاه نکن! اینجا محل رفت‌وآمد زائران خواهد شد». این ســـخن عاقلانه است. عقیله بنی‌هاشم است. بُعد عقل، دومین بُعد است. قوت روحی و عقل باید تقویت شوند. این پایه‌های انقلابی‌گری تنظیم شده و پیش رفته است.

انقلابی‌گری لازمه هیأت

هیأتی که فقط به عاطفه پرداخت و جوان در آن هیأت قدرت روحی پیدانکرد، کم‌کم از انقلاب فاصله می‌گیرد.

بُعد ســـومی را هم می‌خواهم پیشنهاد کنم. چرا آقا می‌فرماید: «مداح ما باید انقلابی باشد؟ هیأت ســـکولار نداریم». من بررســـی کردم که ما باید چه کار کنیـــم تا هیأت خودبه‌خود انقلابی شود؛ چه اسم انقلاب را بیاوریم، چه اسم انقلاب را نیاوریم. وقتی این ابعاد را در نظر بگیریم، خودبه‌خود انقلابی می‌شویم. هیأتی که فقط به عاطفه پرداخت و جوان در آن هیأت قدرت روحی پیدا نکرد، کم‌کم از انقلاب فاصله می‌گیرد. نمی‌خواهد جنگ‌آور درست کند. می‌خواهد گریه‌کنِ بدون جنگ درست کند. پیامبر گرامی اسلامﷺ می‌فرمایند: «... أَنَا رَسُولُ الرَّحْمَةِ ، وَأَنَا رَسُـولُ الْمَلْحَمَةِ ...»؛[1] من رسول رحمت هستم؛ من رسول حماسه هستم. حماسه یعنی جنگ؛ بعد می‌فرمایند: «إِنِّي بُعِثْت للجهاد لا للرّاع»؛[2] من برای جنگ مبعوث شدم؛ برای کشاورزی مبعوث نشـــدم! بعضی روایت‌ها خیلی غریب هستند؛ چون بُعد حماسی دین را

۱. أخرجه أحمد في المسند ۵/ ۴۰۵، شرح شمائل الترمذي ۲/ ۲۲۸.
۲. همان.

نشان می‌دهند. اما از آن طرف روایت‌هایی هست که همه شنیده‌اند. مثلاً روز مبعث یاد چه روایتی می‌افتید؟ «انی بعثت لأتمم مکارم الاخلاق»؛[1] من محضر شـــما بگویم؛ بزرگان هم از باب مسامحه گاهی این روایت را نقل می‌کنند؛ ولی این روایت به‌جز ابوهریره سند دیگری ندارد. در کتب قدیمی شیعی هم نیست. ولی بروید مقاله تحقیق‌شده در پژوهش دفتر تبلیغات را بخوانید. بله؛ می‌خواهند وانمود کنند که پیغمبر برای اخلاق آمده، نه برای جهاد.

همین چند روز پیش، کســـی ســـخنرانی کرد و گفت: «پیامبر، پیامبر رحمت است». فقط امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌توانـــد پیامبر رحمت را ترجمه کند. می‌دانید امیرالمؤمنین علیه‌السلام «رحمة للعالمین» را چگونه معنا کردند؟ یک کافر وارد مدینه شد و گفت: من سؤالی دارم. باسوادتان کیســـت؟ مردم معمولاً علی‌بن ابیطالب علیه‌السلام را نشان می‌دادند. هفده صفحه سؤال با خودش آورده بود. آخرین سؤالش این بود: «چرا می‌گویید پیامبر شما برای همه اهل عالم رحمت اســـت؟ پیغمبر شما چه رحمتی برای کافران داشـــت؟ چرا در قرآن این آیه آمده است؟»؛ امیرالمؤمنیـــن علی علیه‌السلام فرمودند: «آیـــا می‌دانید پیامبر ما چه رحمتی بـــرای کافران آورده اســـت؟». پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بعضی از حرف‌ها را صریح نمی‌زدند؛ چون وقتی صریح نمی‌گفتند، کافران می‌توانستند دبه کنند و بگویند: معلوم نیست منظورشان چه بود و شانه خالی کنند. یعنی به کافران برای فهمیدن و شـــانه‌خالی‌کردن و دبه‌کردن فرصت می‌دادند. اگر حضرت صریح بیان می‌کردند و آن‌ها نه می‌گفتند، بلا نازل می‌شد. این همان رحمت برای کافرین است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرمایند: «بعثه بالتعریض لا بالتصریح»؛[2] خدا پیغمبر را به اشاره مبعوث

۱. حسن بن فضل طبرسی، مکارم‌الاخلاق، ص ۸.
۲. احتجاج طبرسی.

کرد، نه به تصریح؛ امام صادق﵇ می‌فرمایند: «بَعَثَ اللَّه النَبِيُّ بِإِيَّاكَ أَعْنِي وَ اسْمَعِي يَا جَارِةُ»؛[1] خدا پیغمبر را این‌گونه مبعوث کرد که گویا به در می‌گویم، دیوار تو گوش بده! با اشـــاره حرف می‌زنند. وقتی با اشـــاره حرف می‌زنند، شـــما باید به خودتان بگیرید. چرا ما سالروز نُه دی را جشن می‌گیریم؟ برای اینکه مردم منظور آقا را گرفتند؛ آیا رهبر معظم انقلاب فرمودند تظاهرات کنید؟ نه. مردم باید این‌طور باشـــند و تظاهرات کنند تا رهبر بگوید: آفرین! باید اشاره را بگیرند.

بحث ما در معرفی دین اســـت؛ اشاره، مکتب شماست. ما سخنرانان باید بالای منبر حرف صریح را بگوییم؛ اما شـــما می‌توانید با کنایه حرف بزنید، اشـــاره بگویید. مردم مطالب را با اشـــاره بهتر می‌گیرند. شما در فضای هیأت قدرت را به‌عنوان مهم‌ترین اثر معنویت به جان مخاطبانتـــان بدمید. بعضی از بچه‌ها بعد از روضه می‌گویند: حاج آقا! گرفتارم. شـــما بگو: محکم باش! محکم باش! شـــخصی عاشـــق امام باقر﵇ بود؛ می‌دانست پیاده‌روی به‌سمت زیارت امام﵇ ثواب دارد؛ گفت: از فرســـنگ‌ها قبل از مدینه پیاده آمده‌ام تا شـــما را ببینم؛ پاهایم را نگاه کنید! آش‌ولاش شده است؛ این سختی را در راه شما کشیدم. این‌ها چیزهای ظریفی اســـت که شما متوجه می‌شـــوید. نمی‌دانم چطور باید برای مردم تبیین کرد. امام باقر﵇ اولین کلمه‌ای که به او فرمودند این بود که: شـــکایت نکن! شکایت نکن! یعنی حتی نگو ببین چه کشیدم.

سه پایه برای یک هیأت و روضه انقلابی لازم است: قوت روحی، عقلانیت و انقلابی گری؛

بایـــد آن قوت روحی را در مخاطـــب ایجاد کرده و عقلانیت دین و معنویت و کربلا را ثابت کنیم. هر کس جلســـه را دید باید بگوید: این‌ها آدم‌های عاقلی هستند؛ هرچند عاشق هم

۱. محمّد محمّدی ری شهری، شناخت‌نامه قرآن برپایه قرآن و حدیث جلد ۴، ص ۲۰۶.

هستند؛ ولی عشق پمادی است که روی عقل ریخته می‌شود. خدا شاهد است، عقلانیت ما پایه دین ماســـت؛ پایه عشق شما عقلانیت است. در زیارت جامعه آخرین کلام عقلانی هم آمده است. ولی آخرش می‌گویید: اگر کسی از شما به خدا نزدیک‌تر بود، ما به آن‌ها نزدیک می‌شدیم. این حرف عقلانی است! با این کلمه از زیارت جامعه این‌قدر وهابی‌مسلک ساکت کرده‌ام! وهابی‌مسلک در شیعه و وهابی‌مسلک در سنی.

ســـه پایه برای یک هیأت و روضه انقلابی لازم است: قوت روحی، عقلانیت و انقلابی‌گری؛ یعنی اگر آدم عاقل و باتجربه و درست عمل کن، خب پس افرادی که انقلابی نیستند چی؟ اینها پت‌ومت هستند؛ یعنی عقلشـــان پاره‌سنگ برمی‌دارد؛ اینها آن کسی را که هیچ‌کس رویش حســـاب نمی‌کند، این‌ها حساب می‌کنند؛ متوهم هستند. غیرانقلابی یعنی متوهم! یعنی خیال‌پرداز! یعنی واقع‌نبین.

سومین عنصر این است که «سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَکُمْ»؛[1] یا ابا عبدالله! ما هم برای تو گریه می‌کنیم، هم برای هر مظلومی که در طول تاریخ برای تو شهید شده باشد؛ متأسفانه این رسم کج را یک روحانی در تلویزیون می‌گفت. من اسم شخص را هم نمی‌برم. می‌گفت: «ما فقط برای امام حسین‌ؑ گریه داریم»؛ گفتم: یاللعجب! گریه برای ائمه‌ؑ را هم حذف کرد. پس برای حضرت زهراؑ گریه نکنیم؟ برای امام موســـی‌بن‌جعفرؑ گریه نکنیم؟! کسی که می‌گوید سفارش شده گریه فقط برای امام حسینؑ است، خیلی بی‌خود گفتند ایشان!

امام صادقؑ فرمودند: «هر کسی برای مظلومی از شیعه گریه کند، برای ما اهل‌بیتؑ گریه کرده اســـت؛ چرا برای مدافع حرم گریه نکنیم؟ چرا برای شهید گریه نکنیم؟ این روایت را

۱. مفاتیح الجنان، زیارت عاشورا.

بخوانید و به دیوار بزنید. اگر کسی انتقاد کرد، بگویید: امام صادق﵇ به من فرمودند که اگر برای هر مظلومی از شیعیان ما گریه کنید، گویا برای ما گریه کرده‌اید. خانمی را اسیر کردند و حضرت امام صادق﵇ برای او گریه کردند. اصلاً اگر ما برای مظلومین شیعیان اهل‌بیت﵈ گریه نکنیم و فقط برای اهل‌بیت﵈ گریه کنیم، نوعی نامردی در ما هســت؛ یعنی «سِلْمٌ لِمَنْ سَــالَمَکُم» در ما تحقق پیدا نکرده اســت. ما باید بتوانیم در هیأت‌هایمان این مطلب را جا بیندازیم. فرزند آقای بهجت﵀ به من گفت: «انفجاری در بغداد رخ داده بود. تا دو روز حال پدر ما خراب بود. همان غذای مختصر هر روز را هم نمی‌خورد». حالا معلوم نبود اهل بغداد سنی بودند یا شیعه.

دوســتان من! سروران من! فدای شما بشــوم! با صد تا سخنرانی هم نمی‌شود این حرف‌ها را جا انداخت. فقط در شــعر، در یک آه. آه اثرش را می‌گذارد. مگر انقلابی‌گری چیســت؟ انقلابی‌گری همین اســت. گفت: «اســمش را نیــاور، خودش را بیــاور!». گاهی لازم بود انقلابی‌گری را صریحاً تبدیل به ســرود کرد؛ مثل شــعر یاد امام و شــهداء. گاهی هم باید پایه‌هــای انقلابی‌گری را حتی بدون نام بردن از انقلاب تقویت کرد. گاهی عیب ندارد نامی از انقلاب نبُرد. ولی من معتقدم اگر مستقیم از انقلاب نام ببریم خیلی عالی است. پدر من یک روضه‌خوان مشدی بود. در یک جلسه پانصدنفره روضه، صدای کسی که از همه بلندتر بود، صدای ایشان بود؛ یعنی جزو بکائینی بود که در آخر عمرش نمی‌توانست در دعای ندبه شرکت کند. واقعاً ازدست می‌رفت. حال عجیب و غریبی داشت. ایشان به من می‌گفت: «هر جا مســتقیم از ولی فقیه یا از شــخص امام و رهبری صحبت کردم، بلافاصله شب کرامتی دیدم. هزار حرف کم‌ربط و بی‌ربط و باربط و با اشاره زدم، آن کرامت را ندیدم؛ ولی هرموقع

گاهی هم باید پایه‌های انقلابی گری را حتی بدون نام بردن از انقلاب تقویت کرد. گاهی عیب ندارد نامی از انقلاب نبُرد. ولی من معتقدم اگر مستقیم از انقلاب نام ببریم خیلی عالی است.

مســـتقیم دفاع کردم شب خوابش را دیدم. یک گره هم باز شـــد». من دیگر این را از قال الصادق﵇ نگفتم؛ چون زمان امام صادق﵇ با زمان ما فرق می‌کند. اعتقاد قلبی خودم را به نقل از ابوی گفتم. ولی این را هم قبول دارم که گاهی جای این نیســـت که بتوان مستقیم صحبت کرد. عیب ندارد که مستقیم نگویی؛ ولی پایه‌های انقلابی‌گری را با عقلانیت، قوت روحی، گریه بر مظلومین منطقه تقویت کنیم. دیگر این شخص نمی‌تواند ضدانقلاب شود.

هیأتِ تراز انقلاب اسلامی

همان قله‌ای است که باید به سویش حرکت نمود. همان هیأتِ الگویی که گوشه گوشه و لحظه‌لحظه‌اش مورد رضایت امام عصر(عج) باشد. هیأتی است که شایسته برپایی در حضور حضرتش باشد. هیأتی آماده حضور و ظهور...ترسیم بایسته‌ها و شایسته‌های چنین هیأتی، هر چند سخت و دشوار می‌نماید. اما لازم است و ضروری...

❊❊❊

در فانوس، فانوس به دست گرفته‌ایم و می‌کوشیم تا شاید بتوانیم برخی از ابعاد مختلف هیأت تراز انقلاب اسلامی را روشن کنیم.

سازمان بسیج عداحان

۰۲۱ _ ۳۹ ۹۴ ۷۷ ۳۸
basijmadahan.ir
@madahan_hossein

۰۲۵ ۳۲۹۲ ۸۹ ۵۱
۳ ۰۰۰ ۱۵۴۲
www.۱۵۴۲.org
info@۱۵۴۲.org

۰۲۱ _ ۸۸ ۹۸ ۶۹ ۵۳
۲ ۰۰۰ ۹۵ ۱۶
eheyat.com
@eheyat